

چتر رحمت خدا روی سر کفار



مقدمه

یکی از راه‌های شناخت قرآن کریم و تفسیر این کتاب آسمانی، شناخت صحیح واژه‌های آن است. گاه در مورد تفسیر این واژه‌ها، در میان مفسران اختلاف نظرهایی وجود دارد. بررسی این دیدگاه‌ها، ما را در فهم و درک بهتر این متن عظیم الهی، یاری می‌رساند. ما در این نوشتار به بررسی اختلاف دیدگاه‌های مفسران قرآن کریم در مورد واژه‌های «رحمن» و «رحیم» می‌پردازیم. در این تحلیل و بررسی، آرای آیت الله خویی از یک سو و دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی از سوی دیگر مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این بررسی می‌خواهیم بدانیم کدام یک از این دو دیدگاه با متون دینی (قرآن کریم و روایات) سازگارتر است و آیا می‌توان دیدگاه سومی را نیز مطرح کرد یا خیر؟

با این مقدمه‌ی کوتاه، به طرح مسأله می‌پردازیم:

علامه طباطبایی در مورد معنای رحمن و رحیم می‌فرماید:

کلمه «رحمان» صیغه مبالغه است که بر کثرت و بسیاری رحمت، دلالت دارد و کلمه «رحیم» بر وزن فعیل صفت مشبیه می‌باشد، که ثبات و دوام را می‌رساند، پس خدای «رحمن» «به معنای خدای کثیرالرحمة، و خدای رحیم به معنای خدای دائم الرحمة می‌باشد. به همین دلیل مناسب با کلمه رحمت این است که دلالت کند بر رحمت کثیری که شامل حال عموم موجودات و انسان‌ها از مؤمنین و کفار می‌شود و به همین معنا در بسیاری از موارد در قرآن استعمال شده، از جمله: **الرحمن علی العرش استوی؛ (طه، ۵/۲۰)**، عرش کنایه از قدرت خداست و منشأ رحمت عامه؟ (او) و نیز فرموده: **قل من کان فی الضلالة فلیمدد له الرحمن مدا؛ (مریم، ۷۵/۱۹)**، آن کسی که در ضلالت است باید خدا او را در ضلالتش مدد رساند. و نیز آیات دیگری که کلمه رحمن در آن‌ها استفاده شده است.

هم‌چنین مناسب‌تر آن است که کلمه «رحیم» بر نعمت دائمی و رحمت ثابت و باقی او دلالت کند، رحمتی که تنها به مؤمنین افاضه می‌کند، چنان‌چه خدای متعال می‌فرماید: **و کان بالمؤمنین رحیماً؛ (احزاب، ۴۳/۳۳)** و نیز فرموده: **انه بهم رؤف رحیم؛ (توبه، ۱۱۷/۹)** و آیات دیگری که بر این معنی دلالت دارند. لذا بعضی گفته‌اند:

رحمن عام است برای مؤمن و کافر؛ و رحیم خاص است به مؤمن (در دنیا و آخرت) ۱

علامه در جای دیگر می‌فرمایند:

او رحمن است و روشن می‌کند بر بندگان (مؤمن و کافر) راه رحمت عامه اش را از آنچه که در آن، خیر بندگان برای وجود و حیاتشان می‌باشد، یعنی این رحمت شامل همه‌ی بندگان می‌باشد چه کافر و چه مؤمن و این رحمت، وجود و حیات دادن به آن‌هاست (که در مقابل آن عدم می‌باشد) و او رحیم است. و برای بندگان مؤمن فقط، راه رحمت خاصه‌اش را روشن می‌کند که آن سعادت آخرت ایشان و دیدار با پروردگارشان می‌باشد. و خدای متعال می‌فرماید: **و رحمتی وسعت کلشی فسأ کتبها للذین یتقون؛ (اعراف، ۱۵۶/۷)** (و رحمت من همه چیز را شامل می‌شود پس اختصاص می‌دهم رحمتم را بر تقوی پیش‌گان. (بخش اول آیه شریفه اشاره دارد به رحمت رحمانیه و بخش دوم آیه اشاره دارد به رحمت رحیمیه)^۲

بنابراین علامه طباطبایی معتقدند که رحمن، رحمت عامه خدای متعال است بر همه بندگان (در دنیا) که این رحمت، همان خلقت و حیات دادن به موجودات می‌باشد و رحیم، رحمت خاصه خداوند است بر مؤمنین فقط در دنیا و آخرت.

لذا علامه طباطبایی روایاتی را می‌پذیرند که به این معنا اشاره دارند. نظیر این روایت: الرحمن به جمیع خلقه، الرحیم بالمؤمنین خاصه؛^۳

آخرت؛ رحمت بر مؤمنین در آخرت از واضحات و مسلمات بوده و نیازی به اثبات ندارد چرا که آیات و روایات فراوانی بر نعمت بهشت و نعمت لقای پروردگار که برای مؤمنین مهیا شده است دلالت دارند

آیت الله جوادی آملی نیز این نظر را پذیرفته‌اند.^۴



اما آیت الله خویی در مورد صفات «رحمن» و «رحیم» می‌فرماید:

در بعضی روایات وارد شده است که رحمن، اسم خاص است و معنایش عام می‌باشد ولی رحیم، اسم عام است و معنایش خاص می‌باشد و مختص است به آخرت یا به مؤمنین. چاره‌ای نداریم جز این که یا این روایات را تأویل کنیم یا آن‌ها را کنار بگذاریم، چون با قرآن کریم مخالفت دارند. در قرآن کریم لفظ رحیم مختص به مؤمنین یا آخرت نیست. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: **فمن تبعنی فأنه منی و من عصانی فأنک غفور رحیم؛ (ابراهیم، ۳۶/۱۴)** یا **می‌فرماید: ان الله بالناس لرؤف رحیم؛ (حج، ۶۵/۲۲)**

در مورد دلالت آیه اول باید گفت: چون آیه در مورد گمراه کنندگان و کفار می‌باشد، پس رحمت رحیمیه شامل آنان نیز می‌گردد و دلالت آیه دوم نیز روشن می‌باشد.

و آیات دیگری که دلالت بر عمومیت معنای رحیم دارند^۵. و در بعضی دعاها داریم: **رحمن الدنيا و الاخرة و رحیمهما**.

البته ایشان برای این که اثبات کنند رحمت رحیمیه، مختص به آخرت یا به مؤمنین می‌باشد، وجهی را نیز ذکر می‌کنند، ولی چون این مطلب را با تردید و احتمال بیان کرده و لفظ «یمكن» آورده است^۷ و از دیگر سوی، این مطلب با فرمایشات و ادله ایشان سازگاری ندارد، بنابراین این وجه را نمی‌توان به عنوان نظر قطعی ایشان پذیرفت.

در نتیجه نظر آیت الله خوئی (ره) این است که: هم رحمت رحمانیه مربوط به دنیا و آخرت می باشد و هم رحمت رحیمیه مربوط به هر دو جهان می گردد و هر دو عام می باشند.

مقایسه بین این دو دیدگاه

بنابراین با توجه به مطالبی که از علامه طباطبایی نقل شد و مطلبی که ایشان در شرح بحث روایی^۱ بدان اشاره کرده اند نظر ایشان این است که: رحمت رحمانیه، رحمت عام خداوند است بر همه؟ موجودات اما فقط در دنیا و رحمت رحیمیه، رحمت خاص خداوند است بر مؤمنین در دنیا و آخرت. اما آیت الله خوئی می فرماید: رحمت رحمانیه و رحیمیه، هر دو، عام بوده و شامل همه موجودات در دنیا و آخرت می باشد و هیچ گونه اختصاصی وجود ندارد.

جمع بندی و نظر نهایی

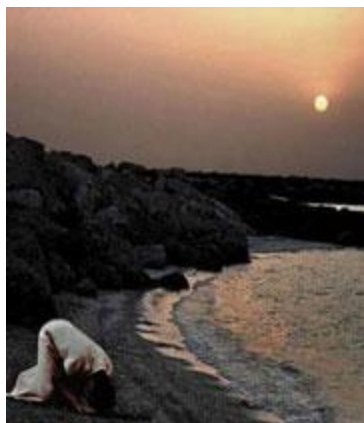
به نظر می رسد دیدگاه آیت الله خوئی صحیح بوده و باید روایات «رحمن الدنيا و الآخرة و رحیمهما» را پذیرفت و روایات مقابل را - با توجه به آلت مورد استناد آیت الله خوئی - کنار گذاشت یا تأویل کرد.

در اینجا مطلب مهمی که نباید از آن غفلت کرد این است که هر چند گفتیم خداوند رحمن و رحیم دنیا و آخرت می باشد ولی این بدان معنا نیست که معنای رحمن و رحیم مساوی باشد و تفاوتی بین این دو وصف الهی، موجود نباشد. بلکه هنگامی که به قرآن کریم مراجعه می کنیم، می بینیم در قرآن کریم هر کجا سخن از رحمن است، این وصف الهی، از یک سیطره و سلطه خاصی برخوردار می باشد نظیر: **الرحمن علی العرش استوی (طه/۵)**، **وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا؛ (طه/۱۰۸)**

اما صفت رحیم، از لطافت و ترحم خاصی نسبت به بندگان خداوند برخوردار می باشد یعنی خداوند در وصف رحیمیت، مهربانی است از موضع بالا، مانند این آیات:

افلا یتوبون الی الله و یتستغفرونه و الله غفور رحیم؛ (مائده، ۵/۷۴) انه هو الغفور الرحیم؛ (قصص ، ۱۶/۲۸) و آیات فراوان دیگری که در آن ها رحیم، در کنار غفور یا رؤف و مانند آن آمده است که نشانگر عفو و بخشش و ترحم خداوند است نسبت به بندگان.

علامه در جای دیگر می فرماید: او رحمن است و روشن می کند بر بندگان (مؤمن و کافر) راه رحمت عامه اش را از آنچه که در آن، خیر بندگان برای وجود و حیاتشان می باشد، یعنی این رحمت شامل همه ی بندگان می باشد چه کافر و چه مؤمن و این رحمت، وجود و حیات دادن به آن هاست (که در مقابل آن عدم می باشد) و او رحیم است . و برای بندگان مؤمن فقط، راه رحمت خاصه اش را روشن می کند که آن سعادت آخرت ایشان و دیدار با پروردگارشان می باشد. و خدای متعال می فرماید : و رحمت من همه چیز را شامل می شود پس اختصاص می دهم رحمتم را بر تقوی پیش گان



نتیجه این می‌شود که بین رحمن و رحیم تفاوت می‌باشد و رحمن رحمت خداست بر همه خلایق در دنیا و آخرت. به این معنا که خداوند به همه موجودات وجود و حیات عطا فرموده است و مقابل این رحمت، عدم می‌باشد نه غضب. ولی رحیم، رحمت خداوند است بر همه انسان‌ها (کفار و مؤمنین) در دنیا و آخرت، اما نه مانند رحمت رحمانی که وجود و حیات است بلکه این رحمت، به معنای نعمت‌هایی است که خداوند به آن‌ها عطا کرده است. چون خدای متعال هم در دنیا و هم در آخرت به مؤمنین و کفار، نعمت عطا کرده است. اما دلایل قرآنی این رأی و نظر:

آیات ۵ تا ۱۸ سوره مبارکه نحل اشاره به نعمت‌های الهی در دنیا دارد که هم قابل استفاده برای مؤمنین است و هم مورد استفاده کفار قرار می‌گیرد. نظیر وجود حیوانات و چارپایان برای بارکشی، خوراک و غیره، و استفاده از دریاها و کشتی‌ها برای کسب درآمد و اعمال اقتصادی و غیره، و در انتهای این آیات شریفه می‌فرماید: **وَأَنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**؛ (نحل، ۱۶/۱۸) یعنی این نعمت‌ها از رحمت رحیمیه خداوند نشأت می‌گیرد و کافر و مؤمن نیز در این رحمت شریکند.

اما در آخرت؛ رحمت بر مؤمنین در آخرت از واضحات و مسلمات بوده و نیازی به اثبات ندارد چرا که آیات و روایات فراوانی بر نعمت بهشت و نعمت لقای پروردگار که برای مؤمنین مهیا شده است دلالت دارند^۱.

رحمت کفار در آخرت نیز، ورود آن‌ها در جهنم می‌باشد چون جهنم نیز یکی از مظاهر رحمت خدای متعال است و باعث پاک شدن کفار از گناهان می‌شود. بنابراین کفار نیز در آخرت مشمول رحمت رحیمیه‌ی خدای متعال می‌باشند. **هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ. يَطُوفُونَ فِيهَا بَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ. فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكَمَا تَكْذِبَانِ؛ (الرحمن، ۴۳/۴۵-۴۵)** این همان دوزخی است که گنه‌کاران آن را تکذیب می‌کردند. اینک میان آن جهنم و آب سوزان می‌گردند. (شمایی جن و انس) کدامین نعمت‌های خدایتان را انکار می‌کنید؟ چنانچه مشاهده می‌گردد خدای متعال در این آیات شریفه، جهنم و حمیم را از نعمت‌های خویش برشمرده است. بنابراین خدای متعال رحمن و رحیم است هم در دنیا و هم در آخرت، بر کافر و مؤمن، منتهی با تفاوت ذکر شده بین رحمن و رحیم.

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ۱/ ۱۸ و ۱۹.

۲. همان/ ۱۶.

۳. همان/ ۲۳.

۴. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۲۹۲/۱.

۵. و اگر در جای دیگر فرموده است: و كان بالمؤمنين رحيماً، (احزاب، ۴۳/۳۳) یا آنه بهم رؤف رحيم، (توبه، ۱۱۷/۹) از باب تأکید بر رحمت بر مؤمنین می‌باشد نه از باب اختصاص، بنابراین منافاتی بین این دسته آیات با: إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ و نظایر این آیه، وجود ندارد.

۶. سید ابوالقاسم خویی، البیان/۴۳۲.

۷. همان.

۸. المیزان، ۲۳/۱.

۹. سوره‌های الرحمن و واقعه.

بخش قرآن تبیان